



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

زمینه های اجتماعی

واقعه عاشورا

علی محمد ولوی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# زمینه‌های اجتماعی واقعه عاشورا

نویسنده:

علی محمد ولوی

ناشر چاپی:

علی محمد ولوی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۶	..... زمینه‌های اجتماعی واقعه عاشورا
۶	..... مشخصات کتاب
۶	..... زمینه‌های اجتماعی واقعه عاشورا
۱۱	..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## زمینه‌های اجتماعی واقعه عاشورا

### مشخصات کتاب

عنوان: زمینه‌های اجتماعی واقعه عاشورا

پدیدآورندگان: ولوی، علی محمد، ۱۳۳۵- (پدیدآور)

وضعیت نشر: قم: علی محمد ولوی، ۱۳۸۷

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

آثار اجتماعی

قیام عاشورا

ساختار اجتماعی

### زمینه‌های اجتماعی واقعه عاشورا

آنچه در ذیل می‌آید متن سخنرانی دکتر علی محمد ولوی است که در جمع دانشجویان مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) ایراد فرموده‌اند. گفتنی است جلسه یاد شده، به دعوت انجمن علمی تاریخ (گروه خواهران)، تشکیل شده است. موضوع بحث قیام کربلا و نهضت عاشورا است. در این فرصت کوتاه سعی می‌کنم به‌طور فشرده بحثی را مطرح کنم که برای دانشجویان و دانش پژوهان و محققان تازگی‌هایی داشته باشد. بنیاداشتم موضوع صحبت‌هایم را در دو موضوع ارائه دهم: یکی زمینه‌های اجتماعی قیام کربلا و دیگری زمینه‌های فکری این حادثه که با توجه به محدودیت وقت، بحثم را به موضوع اول اختصاص می‌دهم و آن را با طرح این سؤال شروع می‌کنم که: در گستره تحولات اجتماعی چه زمینه‌هایی به‌وجود آمده بود که باعث شد تنها پنجاه سال پس از ارتحال پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم حادثه‌ای با این ابعاد به وقوع بپیوندد؟ بالاتر از آن، چه عواملی باعث شد که جامعه آن روز در مقابل این حادثه بزرگ، واکنشی سرد، بی‌روح و کم اثر از خود بروز دهد؟ تا حدود سه سال بعد از قیام کربلا، حرکتی که مبین واکنشی جدی باشد مشاهده نمی‌شود، انگیزه وقایعی مثل واقعه حره و قیام کنندگان در مقابل آن چیز دیگری بود که ارتباط مستقیمی با واقعه کربلا- نداشت، از این رو غیر از قیام توابین تا سال‌ها بعد حرکتی جدی، که با انگیزه‌های خاص و دور از انگیزه‌های سیاسی نسبت به واقعه کربلا- بروز کند، در جامعه انجام نگرفت، چنانچه در قیام مختار هم انگیزه‌های سیاسی بر انگیزه‌های دینی غالب بود. حال با توجه به این مقدمه این سؤال به صورت جدی مطرح می‌شود که چه اتفاقی افتاد و چه شرایطی بر جامعه حاکم شد که بعد از پنجاه سال از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چنین واقعه‌ای رخ داد؟ واقعه‌ای که شاید بتوان ادعا کرد هیچ نظیری در تاریخ بشریت ندارد و حادثه‌ای است که وجدان هر انسانی را متاثر می‌سازد. از این رو لازم است حادثه‌ای با این اهمیت، از ابعاد مختلف بررسی شود. یکی از جنبه‌هایی که می‌تواند به پاسخ‌گویی به این سؤال کمک کند بررسی تحولات ساختاری جامعه است که پس از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ایجاد شد. بررسی جوامع بشری و تاریخ انبیا نشان می‌دهد که همواره میان دین و سنت نوعی مقابله وجود داشته است. این معارضه در آغاز راه (در شروع بعثت و آغاز نهضت هر پیامبری) خیلی قوی‌تر و شدیدتر است. اگر به لحاظ اجتماعی، جامعه شبه جزیره عرب در عصر مقارن با بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بررسی

شود، معلوم خواهد شد که این جامعه، جامعه‌ای است با ساختار اجتماعی کاملاً شکسته و غیر متمرکز و از لحاظ بافت اجتماعی در «قبیله» معنا پیدا می‌کند. از نظر سیاسی هم ساختاری توسعه نیافته دارد و از حد یک نظام سیاسی کدخدا منشانه یا سید سالاری، (Gentocratic) و یا در موارد نادری از یک نظام سیاسی پدرشاهانه، (Patriarchal) فراتر نمی‌رود. منطقه حجاز و مناطق مرکزی شبه جزیره عربستان را می‌توان از جمله مناطقی به شمار آورد که هیچ وقت یک جامعه سیاسی برخوردار از نظام سیاسی اجتماعی متمرکز را تجربه نکرد. این گونه جوامع، معمولاً پس از گذشت دروه‌هایی از زمان و به دلیل یک سری اتفاقات - که در این جا فرصت بحث آن نیست - این شانس را پیدا می‌کنند که از رهگذر اتحاد قبیله‌ای به نظام‌های سیاسی پیشرفته‌تری دست یابند، اما همیشه امکان رجعت به نظام اجتماعی سیاسی پیشین قوی‌تر است؛ مثلاً آن نظام‌های قبیله‌ای که در مناطق جنوبی شبه جزیره تشکیل شد، از نمونه نظام‌هایی هستند که میل و گرایش جامعه عربی را به نوعی نظام سیاسی متمرکز و حتی برخوردار از ضوابط پاتری مونیالی، بیان می‌کنند. در خود مکه هم تحولاتی که بعد از حاکمیت قریش بر جامعه مکه پیدا شد، به خصوص بعد از قصی بن کلاب، نوعی تحول در راستای همین تحولات سیاسی است. به لحاظ دینی هم، فهم و تفکر جوامعی که چنین شرایط اجتماعی و ساختار سیاسی دارند از حد نظام فکری دینی رب الاربابی، (Henotheism) تجاوز نمی‌کند و معمولاً این گونه جوامع به لحاظ دینی در فاصله چندگانه پرستی دینی، (Polytheism) و نظام رب الاربابی (شرک) در نوسان‌اند. تفکر دینی مردم مکه و مدینه و مناطق مرکزی شبه جزیره عربی و به بیان دیگر دین زمان ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که قرآن از آن تعبیر به شرک می‌کند، چنین وضعیتی داشت. آن‌ها با وجود این که الله را قبول داشتند به خدایان متعدد دیگری هم معتقد بودند. این بحث در دین‌شناسی مطرح است که این گونه جوامع با آن ساختار اجتماعی و سیاسی نمی‌توانند به لحاظ دینی یک نظام دینی منوئیستیک یا توحیدی را تجربه و تفکر توحیدی را هضم کنند (و این یک واقعیتی است). در همان منطقه مرکز شبه جزیره عربستان، حتی بعد از اسلام و با وجود آن همه پیام‌های توحیدی اسلام، در میان قبایل و طوایف بخش‌های داخلی نوعی گرایشات شرک آمیز و چندگانه پرستی دیده می‌شود. به طور کلی به جهت ساختار اجتماعی، سیاسی و دینی این گونه جوامع، هم شرایط اجتماعی و هم نظام سیاسی و تفکر دینی، منبعث از مناسبات سنتی موجود در جامعه است و در واقع این سنت است که در این جوامع حرف اول را می‌زند؛ به بیان دیگر سنت در میان اعضای این جامعه به قدری قوی است که نمی‌گذارد تحول عظیم و عمیقی به وجود بیاید و به اصطلاح یک جراحی بزرگ در جامعه صورت بگیرد. حال این بحث مطرح است که در چنین متنی، آیا احتمال وقوع تحول وجود دارد؟ یا این که همیشه راکد می‌ماند؟ پاسخی که به این سؤال داده می‌شود این است که معمولاً در جوامعی با ساختار اجتماعی، سیاسی و دینی ریشه‌دار در سنت در دو صورت تحول امکان‌پذیر است: حالت اول زمانی است که سنتی قوی‌تر برخی از آن سنت‌ها را به هم بریزد و شرایط را برای بروز و ظهور سنت جدیدتری فراهم کند که البته لازمه این سنت هم این است که در گذشته و تاریخ جامعه و افراد ریشه داشته باشد؛ مثلاً در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم واقعه «حلف الفضول» نمونه‌ای بر این مدعاست (و یکی از وجوهی که برای حلف الفضول گفته‌اند این است که در گذشته این جامعه، پیمانی مشابه آن‌چه در خانه عبدالله بن جدعان منعقد شد، وجود داشته است). به طور خلاصه در این حالت سنت قوی‌تر سنت‌های قبلی را پس زده و جانشین آن‌ها می‌شود. حالت دوم این است که یک دین قوی با پیامبری که وجاهت کاریسمایی داشته باشد، ظهور کند و به دلیل آن وجاهت‌های کاریسمایی یا آن قداست، تحولات عمیق و وسیعی در جامعه پیدا شود. این اتفاق در منطقه مرکزی شبه جزیره عربی رخ داد و به دنبال آن، با توجه به موقعیت و کاریسمایی که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از آن برخوردار بود تحولی عظیم در این جامعه پیش آمد. اما پس از ارتحال این شخصیت عظیم کاریسمایی، خلایی در شئون مختلف جامعه پیدا شد که زمینه بازگشت جامعه به ارزش‌های سنتی را فراهم ساخت. معمولاً با مرگ شخصیت‌های کاریسمایی، در جامعه رجعتی سریع به سمت سنت‌ها آغاز می‌شود و این یک رجعتی است که نمی‌توان جلوی آن را گرفت. تاریخ انبیای بزرگ الهی نشان می‌دهد که

آنان به عنوان اصلاح‌گران و انقلابیون بزرگ با بسیاری از سنت‌های جامعه به مقابله برخاستند اما تقریباً همه توفیق چندان‌ی نداشتند (هر چند در بلندای تاریخ، انبیا انسان‌های موفق‌ی بودند اما در عصر خودشان موفق به نظر نمی‌رسند). البته بعضی از انبیا مثل حضرت موسی، حضرت داود، حضرت سلیمان و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در دوره حیات خود موفقیت‌های نسبی داشته‌اند اما بعد از مرگشان شرایط برای بازگشت به سنت و ارزش‌های مضبوط در حافظه تاریخی و عرفی جامعه فراهم شده و جامعه با سرعت رجعت به ضد ارزش‌ها را شروع کرده است. این مطلب بر زندگی همه انبیای الهی قابل تطبیق است و خاص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم نیست. از آن جا که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم تاریخی‌ترین پیامبر عالم است و شاید بتوان گفت تنها پیامبر تاریخی در سلاله انبیاست بهتر می‌توان مبنای تئوریک مطرح شده را درباره آن حضرت بحث نمود. با ظهور کاریسما تیک پردرخشش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم این سنت‌ها برای مدتی عقب‌نشینی کرد و ارزش‌های جدیدی که ایشان مطرح می‌کرد در سرلوحه عمل جامعه قرار گرفت و کسانی هم که اعتقاد و باور داشتند، به این آموزه‌های رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم عشق ورزیدند. در پرتو همین حضور همراه با قداست و کاریسما، و به دلیل مدیریت برجسته پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و اتصال آن حضرت به مبدا وحی‌ظاهرا در زمان ایشان تحول خاصی پدید نیامد، اما پس از آن که وجود رسول الل صلی الله علیه و آله وسلم به لحاظ فیزیکی حذف شد از همان لحظه مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم مقابله سنت با دین آغاز شد. بلافاصله پس از ارتحال آن حضرت ماجرای سقیفه بنی‌ساعده شکل گرفت که خود یکی از بارزترین جلوه‌های بازگشت ارزش‌های سنتی است. در سقیفه سنت برنده شد و آنان که درد دین داشتند در این واقعه و تحولات پس از آن، نتوانستند راه به جایی ببرند. در آن عصر سه کانون در مدینه شکل گرفت: یکی از کانون‌ها، کانونی بود که در خانه زهرا علیها السلام شکل گرفت. کانون دیگر در سقیفه بنی‌ساعده و کانون سوم توسط جماعتی از مهاجرین ایجاد شد. گروه مهاجرین در فاصله اندکی به اصحاب سقیفه ملحق شدند و جناح‌های حاضر در سقیفه با تحریک احساسات سنتی جامعه موفق شدند برنامه را پیش ببرند. تعارض میان دین و سنت را به راحتی می‌توان در خطبه‌های به جای مانده از فاطمه زهرا علیها السلام و در مواضع علی بن ابی‌طالب علیه السلام دید. در سخنان حضرت زهرا علیها السلام دغدغه دین موج می‌زند. از آن سو جناح مقابل دغدغه‌های سنت‌گرایی داشت و مواضع این جناح زمینه‌ساز احیای بسیاری از سنت‌های سیاسی، اجتماعی و فکری شد. با اتکای به همان سنت‌ها یکی از جناح‌های حاضر در سقیفه بنی‌ساعده موفق شد قدرت را در اختیار بگیرد و در مقابل جناح دیگر، ظاهراً در پوشش دین به نحوی از سنت‌ها دفاع کند. شاید اگر خوش بینانه به موضوع بنگریم در آن روزهای آغازین و در آن سال‌ها نیت‌ها واقعا این نبوده که بخواهند با دین معارضه کنند، البته هر چند سقیفه آغاز راه بود اما هر چه از زمان تشکیل این مجمع دور شویم ابعاد این تعارض آشکارتر می‌شود، اختلاف میان ابوبکر و عمر بر سر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، نوعی دعوی بین دین و سنت است. عمر بن خطاب با اصرار از خلیفه اول در خواست می‌کند سیاست‌های اقتصادی زمان رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را که مبتنی بر تسویه بود کنار بگذارد، اما ابوبکر بر همان سیاست‌ها اصرار می‌ورزد. بعد از ابوبکر عمر با طرح فضیلت مجاهدان بدر و احد بر سیاست‌های تفضیلی پا فشاری می‌کند و با کنار گذاشتن سیاست‌های اقتصادی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، سیاست‌های جدیدی را در پیش می‌گیرد. سیاست‌هایی که به کلی با تعالیم قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در تعارض است (این موضوع بحث جدایی را می‌طلبد که بایستی در جای خودش مورد مطالعه قرار گیرد). خلیفه دوم به جز سیاست‌های تبعیضی اقتصادی، سیاست‌های تفضیلی قومی را نیز در دستور کار دولتش قرار داد. در مجموع می‌توان گفت خلیفه دوم شخصیتی تفضیلی گرا بود و این سیاست را با توجه به باورداشت‌های سنتی‌اش (که ارتباطی به اسلام ندارد) بر جامعه اسلامی تحمیل کرد. این سیاست‌ها تأثیرات تعیین‌کننده‌ای بر جامعه اسلامی گذاشت و شاید بتوان ادعا کرد که به کلی جامعه را در مسیری دیگر قرار داد. مسیری که بستر ساز احیای سنت و بازسازی نقش آن در تحولات اجتماعی شد. انحراف‌هایی که در تاریخ اسلام به وجود آمد بیشتر از همین جا شروع شد. دغدغه‌های علی بن ابی‌طالب علیه السلام



هم همین گونه نگرانی‌ها بود، اصلاً حکومت برای آن حضرت آن قدر ارزش نداشت که بخواهد دغدغه حکومت داشته باشد. به هر حال سیاست‌های تفصیلی عمر موجب احیای سنت‌های جاهلی شد و جامعه به سرعت به سمت سازمان جدید و یک نظام طبقاتی حرکت کرد. تفکر سنت‌گرا که در نظامی رتبه بندی شده و طبقاتی شکل گرفته است، نمی‌تواند اندیشه مبتنی بر تسویه را بفهمد. از این رو، کسانی چون عمر بن خطاب به واقع با استناد به سنت نمی‌توانستند نظام مبتنی بر تسویه را درک کنند؛ آن‌ها در جامعه‌ای رشد کرده بودند که به موجب سنت‌های این نظام تفصیلی قابل توجیه بود. اقتصاد یکی از شئون اجتماعی است که سیاست‌های تبعیضی و تفصیلی بهتر از هر جای دیگر خود را نشان می‌دهد، اما چنان که گفته شد سیاست‌های تفاوت طلبانه خلیفه دوم منحصر در مسائل اقتصادی نبود. یکی دیگر از نمادهای سنت‌گرایی، سیاست‌های تبعیضی قوم مدارانه است. بر هر آشنای به قرآن و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم واضح است که در اسلام برهویت و حریت انسان به عنوان انسان تأکید می‌شود و وابستگی‌های نژادی، قومی، رنگ، زبان و امثال آن تأثیری بر این موضوع ندارد. وقتی خلیفه دوم به خلافت رسید با توجه به همان زمینه فکری چندین بخشنامه خیلی مهم صادر کرد که همه این بخشنامه‌ها جنبه قومی و قومیت‌گرایی دارد. بر اساس بعضی از این دستور العمل‌ها مثلاً ورود اعاجم به مدینه ممنوع شد و آنان از بعضی امتیازات اجتماعی که به موجب قرآن از آن برخوردار بودند، محروم شدند. مجموعه این گونه سیاست‌ها زمینه را برای بازگشت به نظام از روشی گذشته و سنت‌های عربی قبل از اسلامی فراهم کرد. روند گرایش به سنت در زمان خلافت عثمان تشدید شد. نکته در خور توجه این است که جامعه، آن هم جامعه عصر صحابه، همه این تحولات را به راحتی می‌پذیرد و به جز اعتراضات بعضی از اصحاب علی بن ابی‌طالب علیه السلام به‌طور کلی مخالفتی با این روند در جامعه وجود ندارد. همه خواننده بودند که: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکر مکم عندالله اتقاکم» اما افراد اندکی معنای آیه را فهمیدند و دست به اعتراض زدند. علی بن ابی‌طالب علیه السلام و بعضی از اصحاب آن حضرت در مدینه با این سیاست‌ها به مخالفت برخاستند. شاید به همین دلیل بود که نگاه غیرعرب (اعاجم) متوجه علی علیه السلام شد. به نظر می‌رسد ریشه علاقه ایرانی‌ها یا به‌طور کلی اعاجم به ایشان از همین زمان شروع شد یعنی زمانی که سیاست‌های تفصیلی مبتنی بر سنت در مدینه شکل گرفت و گسترش یافت. موضع‌گیری علی علیه السلام ریشه در تفکرات و اندیشه‌های دینی او داشت، در واقع او علمدار دین‌باوری در مقابل سنت‌باوری بود. در قضیه ترور خلیفه دوم و ماجرای قتل هرمزان، علی علیه السلام خواستار قصاص عییدالله بن عمر شد. از همین زمان نگاه ایرانی‌ها متوجه امام شد و به آن حضرت تمایل زیادی پیدا کردند (به راحتی می‌توان نشانه‌های گرایش ایرانیان به تشیع و علی علیه السلام را در حوادث مدینه این عصر جست‌وجو کرد). البته دوره خلافت امام و بازگشت به سیاست‌های تسویه‌ای زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نیز طبعاً توجه ایرانی‌ها و غیرعرب‌ها را به علی بن ابی‌طالب علیه السلام بیشتر کرد. بسیاری از صحابه هم به دلیل عدم برخورداری از بینش عمیق نسبت به تعالیم اسلام و به دلیل منافعشان، همسو و هم‌جهت با سیاست‌های خلفای دوم و سوم عمل کردند. در دوره خلافت عثمان بازگشت به سنت‌ها کاملاً تشدید شد به نحوی که می‌توان ادعا کرد این سنت بود که بر جامعه حکومت می‌کرد نه دین؛ و به این ترتیب جامعه به سرعت از آموزه‌ها و آموزش‌های دینی فاصله گرفت و در این جنگ و جدال میان سنت و دین، سنت برنده شد. اتفاقاتی هم که بعد از کشته شدن عثمان افتاد و به خلافت علی بن ابی‌طالب علیه السلام منجر شد، بسیار قابل توجه است. به روشنی می‌توان جدال میان سنت و دین را طی چهار سال و اندی در دوران خلافت علی بین ابی‌طالب علیه السلام مشاهده کرد؛ دوره‌ای که در واقع عصر اوج مقابله دین و سنت است. این جریان‌های سنت‌گرا که نمی‌توانستند شان و موقعیت دینی علی بن ابی‌طالب را تحمیل کنند با همه قدرت و همت به مقابله با امام برخاستند. به نظر من، اتفاقات عصر امام، اتفاقاتی بود که به واسطه تعارض سنت و دین قابل پیش‌بینی بود. جریان‌های مختلفی که اندیشه‌های سنت‌گرا را در قالب‌های مختلف هدایت می‌کردند به مقابله و حتی مقاتله با علی بن ابی‌طالب علیه السلام که انسانی دین‌مدار و اصول‌گرا بود برخاستند. با اندک دقتی در شعارها و سخنان رهبران هر یک از جریان‌ها به خوبی

می‌توان علایق نت‌باورانه آن‌ها را شناسایی کرد. جریان سنت‌گرایی که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم لطمه خورده بود پس از احیای مجدد در عصر خلفای دوم و سوم با قوت و قدرت تمام به مقابله با دین برخاست و با توجه به وسعت و عمق علایق سنتی توانست در کوتاه‌مدت در میدان مقابله با دین پیروز شود. سنت، بسترهای مناسب و شخصیت‌های مدافع خود را به راحتی می‌یابد. زمانی در قیافه عثمان بن عفان ظهور کرد، چندی بعد زبیر بن عوام و طلحه بن عبدالله و اندک زمانی پس از آن معاویه بن ابوسفیان و فرزندانش که خود را شرافه و جان فدایان دین معرفی می‌کردند، علم سنت را بر دوش کشیدند. علی علیه السلام با همه توانمندی‌های نشئت گرفته از باورهای دینی توانست در طرح کوتاه‌مدت مقابله دین و سنت، پیروز از میدان به در آید. وقتی معاویه به قدرت رسید شرایط فراهم بود که سنت با تمام توان خودش در عرصه جامعه ترک تازی بکند و شرایط را به نفع خود برگرداند. دوره خلافت معاویه بن ابوسفیان که حدود بیست سال به طول انجامید، کوشش‌هایی است همه جانبه از لحاظ سیاسی، فرهنگی و نظامی برای احیای سنت، منتها در پوشش‌های دینی (چون دین حرف اول را می‌زد و همه خود را دیندار و پیرو دین می‌دانستند، طبعاً نمی‌توانستند این پوشش دین را بردارند). اگر کسی با تاریخ جاهلیت و ارزش‌های عرب جاهلی آشنا باشد به خوبی می‌داند که همان باورها و اعتقادات عرب جاهلی دوباره در این قیافه‌ها ظهور کرد و یک بار دیگر، سنت با تمام قوا به عرصه عمل اجتماعی آمد و ابولهب‌ها، ابوجهل‌ها و نصرین حارث‌ها در قیافه کسانی چون معاویه، یزید، عبدالملک و دیگران زنده شدند. در این عصر بسیاری از نهادها و بنیادهای تاسیس شده توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از درون تهی شد و اگر قالبی از این نهادها باقی ماند آن را نیز از محتوا خالی کردند؛ مثلاً اگر مسجد زمان رسول صلی الله علیه و آله و سلم محل فعالیت بود، در عصر معاویه، از سوی حاکمیت حرکتی خزنه و محسوس آغاز شد تا مسجد را از نقش‌های متعددی که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آن محول شده بود، خالی سازد و اگر تعدد نفس مسجد موجب حضور فعال و با نشاط توده مردم در صحنه‌های سیاسی می‌شد، حاکمیت آن را بر نمی‌تابید. مسجد زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جامع همه فعالیت‌هایی بود که بر عهده حکومت‌هاست، اما پس از حاکمیت بنی‌امیه با این زمینه تبلیغاتی که مسجد جای عبادت خداست و در این مکان مقدس فقط خدا باید عبادت شود به تدریج نقش‌های متعدد مسجد از آن گرفته شد و با چنین توجیهاات فریبنده‌ای، مردم صحنه حضور اجتماعی خویش را از دست دادند. مسجدی که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پایگاه مشترک اجتماعی بود و مردم به دلایل مختلف خود را نیازمند آن می‌دیدند، به تدریج به محلی تبدیل شد که فقط باید در آن عبادت کرد، یعنی خالی کردن مسجد از محتوای اصلی و پرکردن آن با بینش‌های سنت‌گرایانه. البته بنیادی را که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ریخته بود آن قدر استوار و قوی بود که بعضی از نقش‌های مسجد حتی تا زمان ما نیز ادامه پیدا کرد. معمولاً قدرت دنبال این است که سنت متناسب با ایده‌آل‌ها و آرمان‌های خودش را پیدا کند، چون خیلی راحت می‌تواند با سنت کنار آید تا با دین. مجموع این تحولات که در برخورد سنت با دین به وجود آمد، جامعه را به نقطه‌ای رساند که دیگر برایش اهمیت نداشت چه اتفاقی ممکن است بیفتد. بسیاری از قداست‌ها از بین رفت و مرد، شرایط اجتماعی به نحوی فراهم شد که همان اتفاقاتی که ممکن بود در جاهلیت اتفاق بیفتد و هیچ واکنشی را به دنبال نداشته باشد، در دوره اسلامی هم امکان وقوع یافت. آن قدر سیطره سنت بر جنبه‌های مختلف حیات اجتماعی - سیاسی جامعه زیاد شد که حتی اکثر صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بیشتر متمایل به علایق سنتی شدند تا آن دغدغه‌های دینی. مجموعه این عوامل در سال ۶۰ و ۶۱ ق کار را به جایی رساند که بنیان‌های دین باورانه جامعه به کلی سست شد و زمینه برای وقوع هر اتفاقی فراهم گردید. از این رو شاید بتوان گفت حادثه کربلا، حادثه‌ای است که محصول و معلول شرایط طبیعی زمانش بود. مقابله با چنین شرایطی چنان قربانیانی را می‌طلبد که در غیر این صورت در این تقابل هولناک دین نمی‌توانست از معرکه پیروز بیرون آید. صحنه کربلا کوششی بی‌مانند بود برای تعیین تکلیف تقابل دین و سنت، و هنر حسین بن علی علیهما السلام این بود که توانست پس از حدود پنجاه سال میدان‌داری سنت، یکبار دیگر شرایط را برای ورود دین به صحنه حیات معرفتی، اجتماعی و

سیاسی جامعه فراهم آورد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتهد فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،

خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

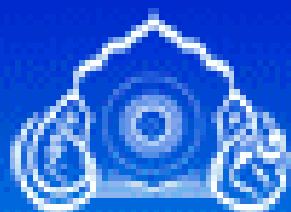
[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند

آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

